

نظریه مهدی

به نظر خیبری، ورزش هم یک وسیله است و هم یک سوژه که خودش به تنهایی دارای اصالت نیست

آفرینش فوتبال به روایت دیگری

مهدی زاهدی

اگر بخواهیم فوتبال را بررسی کنیم و به عبارتی با چشمانی تیزبین نظاره‌گرش باشیم، باید بدانیم از کدام زاویه و روی کدام سکو، کدام ضلع زمین فوتبال را با چشمانمان دنبال می‌کنیم. می‌توان رهیافت‌های متفاوتی را نسبت به فوتبال اتخاذ کرد که در جای خود همه، درست و پراهمیت هستند. در گفت‌وگویی با دکتر محسن خیبری سعی شده بیشتر بر جنبه‌های جامعه‌شناختی و روان‌شناختی فوتبال تاکید شود. در حالی که در روند این گفت‌وگو محور مهم و اساسی معنویت و دولت در فوتبال مورد توجه و تدقیق قرار گرفته است. فوتبال را از هر گوشه‌ای، هر سکویی و هر ضلعی می‌توان دید و لذت برد؛ حتی از همین گوشه.

دست هم داده‌اند که یک انسان می‌تواند این کارهای زیبا را خلق کند. اگر باین رویکرد به این مساله نگاه کنیم، می‌توان یک حالت عرفانی را در فوتبال درک کرد.

منظور تان از حالت عرفانی چیست؟

ببینید، در قوانین فوتبال ۲ بعد وجود دارد؛ یکی اینکه به هر روی قوانینی بر فوتبال حاکم است که منحصر به نفس بازی است، دوم روح حاکم بر آن قوانین است؛ منظور از روح حاکم بر قوانین فوتبال، همان مسائل و ابعاد معنوی ورزش است که این بعد مهم‌تر از قوانین خود فوتبال است؛ مثلاً سطحی‌ترین حالت آن و به عبارتی معمول‌ترین آن، بازی جوانمردانه و رعایت اخلاق ورزشکارانه در زمین است. حالت عرفانی هم که گفتم راجع به روح آن قوانین است. در فوتبال هر ۲ تیم وارد زمین می‌شوند که با تمام نیرو و در روی یکدیگر قرار بگیرند و در عین حال باید جلوی نفس خود را بگیرند و بازی جوانمردانه‌ای را ارائه کنند که همین موضوع ابعاد عرفانی را در فوتبال به بالاترین شکل نشان می‌دهد و باید بازیکن غضب خود را در جایی استفاده کند که موجب تعالی روح شود.

این قضیه بستگی به پارامترهای فرهنگی در یک تیم و شخص بازیکن دارد. این طور نیست؟

طرز بازی کردن و رفتار بازیکن‌ها دقیقاً نشان‌دهنده فرهنگ آن تیم است و همچنین شاخصه هر تیم هم به روح کلی فرهنگ آن تیم برمی‌گردد. از لحاظ اجتماعی، تعاون و انسجام تیمی نشان‌دهنده روان‌شناسی یک تیم است و امروزه گفته می‌شود که اگر یک

به نظر من اگر بخواهیم زمینه‌ای را برای تشریح فوتبال در نظر بگیریم، ناچار بایستی بعد اجتماعی آن را لحاظ کنیم....

بله، اگر فوتبال را تشریح کنیم، فوتبال مثل یک جامعه می‌ماند. یعنی هر چیزی را که با هر رویکردی در جامعه می‌بینیم، در زمینه فوتبال هم می‌توانیم مشاهده کنیم. زندگی، فلسفه‌ای دارد و فوتبال هم در داخل زمین، فلسفه‌ای دارد و به آن مجهز است. مسائل اجتماعی و روان‌شناختی و تمام مسائلی که در یک جامعه بزرگ وجود ندارد، در فوتبال هم مستتر هستند، منتها به شکل جامعه کوچک‌تر و در مقیاسی خردتر. امروزه بسیاری از تیم‌های فوتبال با فلسفه ویژه‌ای وارد زمین می‌شوند؛ بعضی با فلسفه برد و بعضی دیگر با فلسفه نظم و ترتیب....

آیا می‌توان گفت که فوتبال دارای اصالتی خود-ویژه است؟

- ورزش، هم یک وسیله است و هم یک سوژه که خودش به تنهایی دارای اصالت نیست. به واقع وسیله‌ای است برای رشد ابعاد معنوی، فرهنگی، اجتماعی، روانی و ذهنی. در سطح ملموس‌تر وقتی که ما ورزش را به طور کلی دنبال می‌کنیم، برای وصول به اهداف فوق یعنی همان رشد ابعادی که گفتیم، در پرتوی آن توسعه جسمانی هم حاصل می‌شوند. این رشد و تربیت روحی و ذهنی و معنوی از یک طرف و توسعه جسمانی از طرف دیگر در ورزش با هم وابسته‌اند و نمی‌شود این ۲ را جدا از هم لحاظ کرد. ابعاد معنوی فوتبال را شاید در داخل زمین فی‌المثل مشاهده نکنیم اما درون بازیکن‌ها می‌توان اینها را به شکل نشانه‌هایی از یک موهبت الهی دید که میلیاردها عوامل دست به



دکتر محسن خیبری، عضو هیئت علمی دانشکده تربیت بدنی دانشگاه تهران؛ عدالت در ورزش فوتبال همان همبستگی بین بازیکن‌ها بین خودشان با تیمشان و با باشگاه‌شان و با دولتشان است. در یک تیم، گران‌ترین و معروف‌ترین بازیکن هم مانند همه بازیکنان دیگر آن تیم، لباس هماهنگ و همرنگ می‌پوشد و همگی با یک هدف به زمین می‌آیند. یکی از دلایل جذابیت فوتبال ثابت بودن قوانین و عدالت در قوانین آن است.

۱۱۱



[عنوان مقاله در اینجا قرار می‌گیرد]

مدتی از نظر هاجمومی شود. هویت یک تیم به برد و باخت آن نیست. هویت به این است که تیم با قدرت تمام بازی کند و اگر هم باخت با تیم حریف هم به خوبی رفتار کند و بزرگ منشا نه بر خورد کند و به تیم حریف تبریک بگوید و به این شکل هویت تیم را نشان دهد؛ اما متأسفانه هویت بعضی از تیم‌ها با انتقال آنها به شهرهای دیگر به راحتی از بین می‌رود. در واقع یکپارچگی و تمامیت یک تیم ذیل واژه‌ای به نام هویت قرار می‌گیرد که بسیار قابل توجه و مهم است. فوتبال مثل یک کوه یخ است که ۵ درصد آن در ظاهر دارد و ۹۵ درصد آن در باطن است. پشت یک برد و قهرمانی، سال‌ها تمرین و آموزش وجود دارد و مسائل بسیار زیادی در پشت یک برد قرار دارد و فوتبال، تنها یک بازی ۹۰ نفره نیست، بلکه بازی‌ای است که هزاران نفر در آن دخیل هستند ولی در متن مسابقه نیستند. امروزه فوتبال یک کالای چندوجهی است که بسیار گران قیمت است چرا که میلیاردان نفر بیننده دارد و این قضیه از ۲ وجه قابل بررسی و تفسیر است. اول اینکه فوتبال محصول یا کالایی است که بسیار زود از بین می‌رود چون عمر آن ۹۰ دقیقه است که باعث شده بازار یاب‌ها در فکر این مساله باشند که چگونه این محصول را به فروش برسانند؛ دوم بحث هویتی است که یک تیم بر مبنای هویت شناخته شده‌اش، اقتصاد خود را هم مشخص می‌کند و خود را نسبت به دیگر تیم‌ها در بازار فوتبال متمایز می‌کند. نهایتاً اینکه فوتبال به تنهایی رشد نمی‌کند، فوتبال همراه با خود موجب رشد مسائلی که با آن در ارتباط هستند هم می‌شود؛ به طور مثال فوتبال امروزه باعث پیشرفت در هنر فیلم‌برداری شده که می‌تواند فوتبال را از زوایای مختلف نشان دهد.

❖ فکر می‌کنم اگر بحثی پیرامون نسبت فوتبال و دولت داشته باشیم، به عنای بیشتر مباحث در این زمینه کمک افزون تر می‌کند؟
هم دولت به فوتبال و هم فوتبال به دولت نیاز دارد؛ امروزه فوتبال در تمام دنیا چالش‌هایی را پیدا کرده که بعضی تیم‌ها با دولت‌هایشان مشکل دارند. فوتبال نباید منبعی برای دولتی که یک مملکت را اداره می‌کند باشد و دولت هم نباید در مسائل فنی فوتبال دخالت کند که امروزه این مسائل از هم تفکیک شده است. امروزه فوتبال وسیله‌ای است برای دولت‌ها که هم توانایی‌های خود را با آن نشان دهند و هم آنها را از تقا دهند. البته بعضی‌ها از فوتبال سوءاستفاده می‌کنند و اصطلاحاً فوتبال را سیاسی می‌کنند که این کار اصلاً زیبا نیست که فوتبال را در سیاست دخیل کنیم اما سیاست فوتبال یک مساله کارشناسی، فنی و علمی است. خوشبختانه در کشور ما اساتذم‌های وجود دارد که دولت جمهوری اسلامی ایران آن را تأیید کرده و یک‌ازگان بین‌المللی هم توافقش را اعلام کرده است. فوتبال مثل یک شمشیر دولبه است که هم می‌تواند گردن خود و هم گردن دشمن را بزند. در دنیای امروز دولت‌ها کاملاً پشت فوتبال هستند. فوتبال را باید همواره در محور عدالت دید و جست‌وجو کرد. این نکته بسیار مهم است.

تیم دارای انسجام باشد موفق‌تر است. یک بازیکن با تمام ابعاد و جودی، وارد زمین می‌شود و اگر یک بازیکن از لحاظ جسمی آمادگی نداشته باشد، این حالت روی مسائل روانی او تأثیر می‌گذارد و این چنین نیست که بازیکن مسائل ذهنی خود را در رختکن بگذارد و وارد زمین شود. اگر تمام ابعاد وجودی بازیکن با هم در تعادل کامل باشد و خوب کار کند، حالتی به وجود می‌آید که معجزه می‌کند که منوط به این است که همه ابعاد وجودی بازیکن در یک راستا حرکت کند. اگر بازیکنی از لحاظ نفسانی دچار ضعف باشد و کارهای خودخواهانه انجام دهد، ممکن است که منافع یک کشور را به خاطر منافع شخصی در معرض خطر قرار دهد و این از جمله مسائلی است که در فوتبال به صورت آشکار دیده می‌شود.

❖ من فکر می‌کنم شما بازیکن را در زمین فوتبال با متر و معیارهای روان‌شناسی اجتماعی تحلیل می‌کنید؛ یعنی بازیکن تافته جدا بافته از تیمش نیست ولی می‌تواند به تنهایی نقشی محوری در تیم داشته باشد، این دو گویی در گروهی یکدیگر هستند؟

اشاره کردید به نقش محوری بازیکن‌ها در تیم. این درست است. یکی از کارکردهای روانی فوتبال اعتماد به نفس است. وقتی که یک بازیکن به خوبی تمرین می‌کند، روز مسابقه هم کار خود را به خوبی انجام می‌دهد و اعتماد به نفس خوبی هم دارد. بعد دیگر تنظیم فشارهای روانی است که یک بازیکن در لحظه حساس می‌تواند با تسلط روی روان خود توپ را گل کند. بعد دیگر تمرکز و توجه است که یک بازیکن با توجه به تمام هیاهوی حاکم بر زمین فوتبال، کار خود را به خوبی انجام می‌دهد ولی ممکن است که بازیکن دیگری توانایی تمرکز روی حواس خود را نداشته باشد که روی مسائل فنی آن بازیکن هم تأثیر می‌گذارد. انرژی روانی هم در این میان مهم است که اگر بازیکنی نتواند انرژی روانی خود را تأمین کند، نمی‌تواند حداکثر توانایی خود را نشان دهد که همگی این ابعاد به هم پیوسته و مرتبط هستند.

❖ غالب جامعه‌شناسانی که در حوزه ورزش به پژوهش و تحقیق مشغولند، ورزش را عرصه‌ای برای هویت‌یابی می‌پندارند، نظر شما چیست؟

ورزش هم مثل هنر وسیله‌ای است که می‌توانیم از طریق آن هویت خود را نشان دهیم؛ چه هویت فردی، به عنوان یک بازیکن و چه هویت گروهی به عنوان باشگاه یا هویت ملی. و فوتبال (و بالکل ورزش) زبان مشترکی است که هر کشور سعی می‌کند هویت خود را در قالب آن نشان دهد. امروزه تیم‌های ورزشی که در صحنه‌های بین‌المللی حاضر می‌شوند، در واقع بار هویت خود را به دوش می‌کشند که این هویت هم بعد فردی، هم بعد باشگاهی و هم بعد ملی را دربر دارد. این هویت‌ها مسائلی هستند که باید آموزش داده شوند و از دوران کودکی شکل می‌گیرند اما اگر تیمی دارای هویت نباشد، بعد از